

بررسی سیر اندیشه‌ها در نقوش پارسه با تأکید بر نقوش فروهر و انسان-گاو بالدار

محمد زارع^{۱*}

۱- دانشجوی دکتری معماری دانشگاه تهران، zare.md@ut.ac.ir

چکیده

در محوطه باستانی پارسه تنوعی از نقوش وجود دارد، که هر یک بازتابی از اندیشه حاکم بر روح زمان آن دوران و برخاسته از تفکرات و اندیشه‌های طبقه اثرگذار بر جامعه آن روزگار بوده است. شناخت این آثار و مفاهیم، تحلیل اندیشه‌های حاکم بر آن دوره را ممکن می‌سازد. با تمرکز بر نقوش متفاوت و فراوان در آثار باستانی این سرزمین و وجوه مشترک این آثار می‌توان خاستگاه اندیشه را در آنها بازشناخت و روابطی منطقی میان عناصر سازنده یک کل را شناسایی کرد. با شناخت مبانی فکری پدیدآورنده این نقوش در تمدن‌های مختلف می‌توان ارتباط ریشه‌های فرهنگی و نمادهای عینی آنها را به درستی تعریف کرد. شناخت سرمنشاء پیدایش این نقوش و سیر تحول معنایی و شکلی آنها حاکی از ارزش‌های فرهنگی دوره‌های مختلف تاریخی است. دو نقش فروهر و انسان-گاو بالدار از جمله نقوشی است که به صورت مختلف حتی پیش از دوره هخامنشی نیز در آثار باستانی قابل مشاهده است. فرایند تکاملی این نقوش برخاسته از مبانی فلسفی و اعتقادی عصرهای گذشته است که با ورود آنها به عرصه هنر از مفهومی ذهنی به محصولی عینی بدل شده است. در این تحقیق با تفکیک نقوش به عناصر سازنده آنها، ابتدا به مبانی پیدایش و تبدیل آن از شکل تجریدی به تجسمی پرداخته می‌شود و بر این اساس دو نقش فروهر و انسان-گاو بالدار، از نظر ساختار فکری و اندیشه پشت آن مورد واکاوی قرار می‌گیرد. همچنین قرابت‌های عینی میان نقوش مورد بحث در تمدن‌های مختلف مورد مقایسه قرار می‌گیرد و ارتباط آن با اندیشه حاکم بر آن زمان بررسی می‌شود. این مقاله بر آن است تا با مقایسه‌ای تطبیقی در مبانی فکری نقوش انسان-گاو بالدار و فروهر و نقوش آغازین پدیدآورنده آنها ارتباطی منطقی را میان ساختار ذهنی و عینی بازگو کند و سیر حرکت از اصول فکری به تجسم عینی نقوش را نشان دهد.

واژگان کلیدی: فروهر، انسان-گاو بالدار، نقوش پارسه، سیر اندیشه